



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۸/۱۰



رنگریز

فقط حکومت سکولار است که می تواند به همه ادیان به یک اندازه احترام بگذارد

آدم های دین دار اگر عقلاشان برسد باید بیش از دیگران به دنبال حکومت سکولار باشند کسانی که دین دار هستند و اعتقاد دارند که دین شان حقیقت مطلق است، نباید از حکومت سکولار و دادن آزادی به دیگران بترسند و نباید از حکومت سکولار وحشت کنند .
چون فقط حکومت سکولار میتواند به همه ادیان به یک اندازه احترام بگذارد.

در ارتباط با مفهوم سکولاریسم و لائیسته و تفاوت میان این دو کلمه البته بحث جدیدی نیست خیلی ها نیز قبلاً در این زمینه اظهار نظر کرده اند، من هم نظرم را اعلام میکنم.

کلمه ها در حوزه های مختلف و سیاقهای مختلف معانی مختلفی پیدا میکنند، چیزی که راجع به سکولاریسم باید به آن توجه کرد این است که سکولاریسم معمولاً

۱ - در حوزه سیاست

۲ - در حوزه شخصی مطرح میشود.

در حوزه شخصی وقتی گفته میشود شخص الف آدم سکولاری است، مفهوم چیزی نیست جز اینکه او شخصی «دنیوی» است، به ماوراء دنیا اعتقادی ندارد. توجه کنید که این به آن مفهوم لزوماً نیست که «دین ندارد» بر خلاف آنچه سروش میگوید. چون ادیان همگی ماوراء طبیعی نیستند.
همچنین سکولار بودن به معنی دین ستیز بودن نیز نیست، یک آدم سکولار میتواند دین ستیز باشد و میتواند دین ستیز نباشد .

همانطور که یک آدم دیندار نیز میتواند دین ستیز باشد یا نباشد. لذا توجه داشته باشید که سکولار بودن در حوزه شخصی به معنی دین ستیزی نیست بلکه به معنی باور نداشتن به آنچه فرای دنیا است میباشد.

اما بحث سکولاریسم در حوزه شخصی زیاد اهمیتی ندارد چون کلمه های دقیقتری همچون خداپاور و بیخدا و ندانمگرا در حوزه شخصی وجود دارند که تعاریف دقیق تری دارند. سکولاریسم در حوزه سیاست است که دارای اهمیت است و از کلمات کلیدیست.

حکومت سکولار را تنها در مقابل حکومت دینی میتوان تعریف کرد یعنی اگر دین وجود نداشت و در ادامه آن حکومت دینی نیز وجود نداشت اساساً نیازی به پدید آمدن این کلمه نبود. حال حکومت سکولار چه نوع حکومتی است؟

تشریح این کلمه تنها با توجه به حکومت مقابل آن یعنی حکومت دینی میسر است.

در حکومت دینی (که ما از آخرین نوع آنها را در تاریخ داریم) نهاد دین و نهاد حکومت یکی هستند یعنی تکوین قوانین و شیوه مدیریت و تصمیم گیری ها برای حکومت با ملاک های دینی و توسط متخصصان دینی ملاحظاها و از روی تفسیر آنها از دین شکل میگیرد.

برای نمونه فرض کنید پارلمان کشور میخواهد تصمیم بگیرد که آزادی پوشش باشد یا نباشد، در حکومت دینی برای تصمیم گرفتن در این مورد به نظرات و توصیه های منتشران و خود قرآن و خز عیلات بیابانهای عربستان مراجعه میشود، لذا نماینده های پارلمان اگر بخواهند سر این موضوع با یکدیگر بحث کنند سر این بحث میکنند که کدام عرب مقدس نظرش چه بوده یا نبوده، یا در نهایت اینکه تفسیر کدام مرجع دینی از سخنان و یاوه های منقول از آن متشرع چه بوده .

در حکومت دینی یک نفر میشود نماینده خدا و مخالفان و منتقدان او میشوند دشمنان خدا، یک نفر میشود حق، دیگران نیز یا میشوند طرفدار حق و یا طرفدار باطل.

حکومت های دینی به سبب شباهتهایشان مشکلات و سرنوشت های مشابهی نیز دارند آنچه در افغانستان امروز میگذرد دقیقاً شبیه همان چیز است که بر علی گذشت و پس از او و پیش از او نیز بر سایر حاکمان و خلفای مسلمان گذشت.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

پس از توجه به اینکه حکومت دینی چگونه کار میکند حال میتوان حکومت سکولار را بهتر تشریح کرد، در حکومت سکولار دین دارای مرجعیتی نیست، یعنی اینکه امام ابوحنیفه چه گفته و چه نظری داشته ذره ای اهمیتی ندارد، در حکومت سکولار اگر نمایندگان پارلمان بخواهند بر سر آزاد بودن پوشش یا قانون وحشیانه دست بردن و قصاص با یکدیگر بحث کنند ملاک بحث آنها متون و تفاسیر دینی نیست! بلکه بحث بر سر ضرر و زیان و منفعت چیزهای مختلف برای انسان است.

بنابر این هر حکومتی که در آن دین مرجع تصویب قوانین نیست و به دین بعنوان حقیقت مطلق نگاه نشود، آن حکومت حکومتی سکولار است، همین و بس.

با توجه به این تعریف، حکومت صدام، فرانسه، آمریکا، آلمان، هیتلر، استالین، مائو، فیدل کاسترو و غیره حکومت‌هایی سکولار بودند.

نکاتی که معمولاً شبهه بر انگیز هستند و باید به آنها توجه کرد از این قرارند:

۱ - آیا حکومت فرانسه که تلاش میکند دین را از عرصه های عمومی جامعه خارج کند حکومتی سکولار است یا لائیک؟

چنین پرسشی این فرض را در خود پنهان دارد که میان سکولاریسم و لائیسیته تفاوت است، تفاوت قائل شوند. حال آیا سکولاریسم و لائیسیته متفاوتند یا یکی؟

نظر من این است که سکولاریسم (که توصیف شد) و لائیسیته (حکومتی که تلاش میکند دین را و نمادهای دینی را از عرصه های عمومی مثل مدارس و مکاتب و شفاخانه ها... خارج کند) دو موضوع متفاوت از هم هستند! یعنی قابل مقایسه و در مقابل هم نیستند، حکومت سکولار تنها در مقابل حکومت دینی است نه در مقابل حکومت لائیک. برای اینکه بفهمیم فرانسه حکومتی سکولار دارد یا نه باید از خود بپرسیم آیا در فرانسه دین مرجع تصمیم گیری برای رفتار و قانون گذاری هست یا نه؟

پاسخ منفیست، لذا فرانسه حکومتی سکولار دارد.

اما اینکه در حکومت سکولار فرانسه تصمیم بصورت دموکراتیک بر این گرفته شده است که با نمادهای دینی مبارزه شود یا اینکه حکومت فرانسه بطور کلی روی خوش به دین نشان نمیدهد فرانسه را علاوه بر سکولار بودن به یک کشور لائیک نیز تبدیل میکند.

یعنی فرانسه یک کشور سکولار و لائیک است، در حالیکه آمریکا یک کشور سکولار غیر لائیک است.

لذا میان این دو ارتباط مستقیمی وجود ندارد.

۲ - آیا با توجه به اینکه اکثر مردم آمریکا خداباور و مسیحی هستند کشور آمریکا یک کشور سکولار است؟

باز هم برای پاسخ دادن به این پرسش باید از خود پرسید که آیا در آمریکا انجیل مرجع قوانین و تصمیم گیری ها است یا نه؟

پاسخ منفی است، در آمریکا رئیس جمهور میتواند به مسیحیت یا هر دین دیگری اعتقاد داشته باشد یا نداشته باشد این عقیده شخصی اوست در قانون گذاری و تصمیم گیری ها دین ملاک نیست!

بنابر این آمریکا یک حکومت سکولار دارد.

۳ - آیا در حکومت سکولار قوانین دینی میتوانند وجود داشته باشند؟

بله میتوانند وجود داشته باشند، ولی نه به این دلیل که قوانین دینی هستند بلکه به این دلیل که قوانینی هستند که به تشخیص قانون گذاران برای اجتماع مفید هستند. مثلاً اگر در پارلمان طرفداران آزادی پوشش آزاد بیش از مخالفان باشند یا برعکس قوانین نیز بر همان نسبت تغییر خواهند کرد.

به عبارت دیگر در یک حکومت سکولار نیز ممکن است تشخیص قانونگذاران همان چیزی باشد که یک دین توصیه کرده است، مثلاً در دین اسلام کشتن پدر و مادر بدون هیچ علتی و فقط برای لذت بردن از قتل، یک جرم است، همین فعل در تمام حکومت های سکولار نیز جرم است، ولی این کار به این دلیل جرم نیست که دین اسلام یا دین مسیحیت چنین خواسته، بلکه به این دلیل است که قانونگذاران چنین تشخیص داده اند.

لذا فرق است میان ملاک نبودن و مرجع نبودن دین، و قوانین دینی، نکته قابل توجه در اینجا آن است که کسانی که دیندار هستند و معتقدند دینشان حقیقت مطلق است، نیز نباید از حکومت سکولار بترسند، چون در حکومت سکولار نیز میتوانند مثلاً با ادله و استدلال دیگران را متقاعد کنند دست بردن و قصاص باید غیر قانونی باشد، منتها نه با دلایل نقلی از مراجع دینیشان بلکه با ادله منطقی و عرفی و این دنیایی.

اینکه میبینید اسلامگرایان از حکومت سکولار وحشت دارند به این دلیل است که خود نیز میدانند دلایل معتبری برای عقاید واهی شان ندارند و افکار عقایدشان در شرایط آزاد توان رقابت با باورهای متفاوت را ندارند لذا مجبورند دین را مرجع و اصل قرار دهند که مجبور به بحث و دفاع از عقاید باطل خود نباشند.

خیلی ها متوجه نمیشوند مثلاً فکر می شود در حکومت سکولار ارث زن و مرد برابر است! این حرف در نظر غلط است یعنی اگر ارث زن و مرد جایی برابر نبود همیشه گفت آن حکومت سکولار نیست ممکن است پارلمان یک

کشور تصمیم بگیرد به دلایل اجتماعی و اقتصادی ارث نابرابر بین وارثین تقسیم شود. حقوق زن و مرد همیشه برابر نبوده هنوز هم نیست حتی در خیلی از کشورهای پیشرفته دنیا، همیشه گفت اینها کشورهای سکولار نیستند!

۴ - آیا در حکومت سکولار به عقاید دینی احترام گذاشته میشود؟

به این پرسش نمیتوان پاسخ قطعی داد، یک حکومت سکولار ممکن است به این نتیجه برسد که دین اصولاً برای جامعه مضر است و باید از میان برود، در حکومت سکولار استالین چنین اتفاقی افتاد، در حکومت سکولار امریکا چنین اتفاقی نیفتاد، در حکومت سکولار و لائیک فرانسه نیز این احترام مسلماً کمتر از امریکا و آلمان است. اینکه یک حکومت سکولار باشد یعنی دین در آن مرجعیتی نداشته باشد به خودی خود رفتار آن حکومت در قبال دین را مشخص نمیکند!

لذا یک حکومت سکولار هم ممکن است حکومتی دین ستیز باشد هم نباشد. ربطی میان دین ستیزی و سکولاریسم نیست .

۵ - آیا سکولاریسم خوب است؟!

آیا ما به حکومت سکولار نیاز داریم؟

نکته ای که باید به آن توجه کرد این است که سکولاریسم به خودی خود از نظر من بعنوان یک آدم لیبرال و آنتیست و دموکرات و جمهوری خواه برای سعادت نسبی بشر کافی نیست، من شخصاً به دنبال حکومتی هستم که هم دموکرات باشد، هم سکولار باشد، هم پایبند به حقوق بشر.

همانطور که گفته شد حکومت استالین و صدام حسین هم سکولار بودند، اما دموکرات نبودند، حکومت هیتلر نیز سکولار بود، و حتی با دموکراسی روی کار آمد، اما مبتنی بر حقوق بشر و پایبند به آن نبود. این سه مفهوم در کنار یکدیگر یک حکومت ایده آل (برای من) را تشکیل میدهند نه به خودی خود و به تنهایی.

به نظر من حکومت در افغانستان باید قطعاً سکولار باشد، یعنی نامی از اسلام در قانون اساسی و سایر قوانین کشور نباید آورده شود، حال اینکه حکومت چه برخوردی را نسبت به ادیان پیش بگیرد دیگر به مسأله سکولاریسم باز نمیگردد، حکومت ممکن است تصمیم بگیرد با یک مقدار قوانین دینی مثل ختنه و قصاص و حتی حجاب مبارزه سازمانیافته بکند یا نکند، این بر میگردد به رای مردم و نظر نمایندگان مردم. اگر نظر شخصی من را بخواهید من معتقدم قوانین و رسومات دینی باید بررسی شوند اگر تشخیص داده شد که مخالف حقوق بشر و یا مضر برای جامعه هستند باید ممنوع شوند اگر نه تحمل.

حکومت نباید سیاستی کلی نسبت به دین داشته باشد، حکومت نسبت به دین باید بی طرف باشد نه با دینی مبارزه کند نه دینی را به رسمیت بشناسند، کار اصلی حکومت برداشتن زباله ها از در خانه مردم و گرداندن امور اجتماعی مردم است نه تشخیص حقیقت!

حکومت یعنی یک تعداد کارمند که ما مردم آنها را برای مدت کوتاهی استخدام میکنیم برای خدمت به ما !

اگر از کار آنها راضی بودیم باز ممکن است آنها را استخدام کنیم اگر نه باید بروند کار دیگری پیدا کنند. لذا سکولاریسم به خودی خود کافی نیست. چنین مجموعه ای به «دین» نیازی ندارد، حکومت را از این لحاظ که وظایفی دارد و کارکنانی دارد میتوان به یک تیم فوتبال یا یک شرکت تجاری تشبیه کرد، دین شرکت گوگل چیست؟

دین تیم فوتبال بارسلونا یا چلسی چیست؟

میبینید که یک شرکت نمیتواند دین داشته باشد، یک تیم فوتبال نمیتواند دین داشته باشد، همانطور که وظیفه بازیکنان تیم فوتبال این است که بروند و گول بزنند، وظایف بخشهای مختلف حکومت نیز مشخص است، حکومت وزارت معارف دارد، وزارت خارجه دارد، و اینکه اعضای حاکمیت چه دینی دارند اهمیتی ندارد آنچه اهمیت دارد این است که کارشان و وظیفه شان را به بهترین نحو در ازای پولی که ما مردم به آنها میدهیم برای ما انجام بدهد.

۶ - آیا حکومت سکولاریسم میتواند در یک جامعه مذهبی شکل بگیرد؟

بله نه تنها در یک جامعه با اکثریت دینی مثل امریکا یک حکومت سکولار میتواند شکل بگیرد، بلکه اتفاقاً توجه به سکولار بودن حکومت در جامعه ای که مذهب نقش پر رنگی در آن دارد از اهمیت بسیار بالاتری برخوردار است. مثلاً در هند این تنها سکولاریسم است که هزاران دین و باور مختلف را کنار هم نگه داشته، اگر در هند سکولاریسم نباشد باید حکومت دینی باشد، کدام دین میتواند در هند حکومت بکند؟ هر حکومت دینی قهراً مجبور است دینی رسمی داشته باشد، و ادیانی را به رسمیت بشناسند و ادیانی را نیز ضاله تشخیص داده و با آنها ستیز کند. اینجاست که انواع و اقسام درگیری های دینی و مذهبی شکل خواهد گرفت، حکومت دینی اصولاً نمیتواند دموکرات باشد، نه در تاریخ چنین شتر پلنگی و شیری بوجود آمده نه در امروز وجود دارد.

بنابر این آدمهای دین دار اگر عقلشان برسد که نمیرسد باید بیش از دیگران به دنبال حکومت سکولار باشند. چون فقط حکومت سکولار میتواند به همه ادیان به یک اندازه احترام بگذارد و بیطرف باشد، حکومت دینی همانطور که گفته شد مجبور به تکفیر دسته ای از ادیان است.